



انسان رشد یافته در باب جهاد و شهادت

* اکبر ادیبی

* چکیده :

شهادت به معنای کشته شدن در راه خداوند، در دین و فرهنگ اسلامی جایگاهی رفیع دارد. اگر شهادت را فقط رویارویی حق و باطل بدانیم در تاریخ اسلام همواره این رویارویی ها به تناسب تکرار شده اند؛ یاران حق برای نبرد و ستیز با باطل تا پای جان پیش رفته اند و حماسه شهادت را تکرار کرده اند. شهادت، مطلوب اولیاء و منظور عاشقان حق است و جهاد در راه حق مهم ترین ابزار تحقق این مهم است؛ گذرگاهی است که تنها خالصان و پیشروان طالب حق توان و توفیق گذر از آنرا دارند، از همین روست همه پیامبران، امامان و اولیای خدا، شهادت در راه حق را آخرین و والاترین آرزو و خواسته این جهانی خود ذکر کرده اند. این مقاله نگاهی است اجمالی بر ارزش والای جهاد و شهادت در قرآن کریم و روایات.

* کلید واژه :

جهاد، شهادت.

* مقدمه :

در نظام ارزشی اسلام، شهادت خود معیاری است که بیشتر ارزشها و اعمال صالح با آن سنجیده می شود و به تعبیر حضرت امام «ره»، شهادت در نظام ارزشی اسلام بالاترین مرحله کمال انسان است. رسول مکرم اسلام صلوات الله علیه و آله و سلم در

* فرزند شهید جاوید الاثر هوشنگ ادیبی و کاندیدای دریافت دکتری حقوق بین الملل از دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

توصیف این ارزش والا می فرمایند: «هیچ منظره ای نزد خداوند سبحان محبوبتر از آن قطره خونی که در راه خداوند سبحان ریخته می شود نیست زیرا شهید با نثار قطره های خون پاکش در پیکر جامعه خون زنده و گرمی جاری می کند، راه خدا را باز نموده، سدها و موانع تکامل بندگان خدا را از میان بر می دارد، بندهای اسارت را می گسلد و مستضعفان را رهایی می بخشد و راه را برای حکومت خداگونه ها در زمین هموار می سازد».^۱ شهادت بالاترین آزمایشی است که با موفقیت در آن و نیل به شرف والای شهادت، وارستگی شهید تضمین شده و نیازی به آزمایش دیگر نیست و آنجا که در گذرگاه آخرت همه و همه مورد سوال قرار می گیرند، شهید از آن معاف می شود

آنچنانکه در گفتاری از پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله و سلم آمده است آنگاه که سوال می شود: «ما بال شهید لایفتن فی قبره»، مگر شهید چه ویژگی ای دارد که در قبر و گذرگاه آخرت مورد سوال و آزمایش قرار نمی گیرد؟ رسول خدا پاسخ می دهد: «کفی بالبارقه فوق راسه فتنه» یعنی همان برق شمشیری که بالای سر شهید می درخشد برای آزمایش او کافی است. عشق به شهادت، چیزی جز تبلور با شکوه و حماسه آفرین ایمان و تعهد راستین مکتبی نیست؛ به همین دلیل مرگ سرخ در بستر جهاد فی سبیل... مقدس ترین آرمان یک مسلمان متعهد در طول حیات اوست و اینچنین است که بالاترین حماسه های تاریخ در اسلام را همین عاشقان شهادت و شهیدان شاهد رقم زده اند. شهید از اسماء خداوند عزوجل است آنجا که در آیه ۹۳ سوره مبارکه آل عمران می فرماید: و... شهید علی ما تعلمون. شهید یعنی شاهد بر خلق که در روز قیامت شهادت می دهد پس شهید به معنای حی و زنده است و قبر شهید را مشهد می شمارند چون تعظیم پرهیزکاران را به دست می آورد و مزاری می شود که آن را زیارت می کنند.^۲

۱ - محمد بن الحسن الحر العاملی، وسائل الشیعه، (قم: موسسه آل البیت «علیهم السلام»، ۱۴۰۹)، ج ۱، ص ۸.

۲ - موسسه آل البیت «ع»، شهید و شهادت در قرآن و حدیث، ترجمه جواد عباسی، (تهران: نشر شاهد، ۱۳۸۴)، ص ۴۵۱.

۳ - فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷)، ص ۵۵۳؛ همچنین ر.ک.به: علی اکبر رضوانی، فلسفه شهادت (تهران: انتشارات هجرت، ۱۳۶۲)، ص ۱۱۷.



در حدیثی از پیامبر مکرم اسلام صلوات الله علیه و آله و سلم آمده که «زیباترین خانه را در بهشت دیده است و آن خانه شهداء است و کسی از اهل بهشت نیست که آرزو کند به دنیا باز گردد جز شهید زیرا او چون—که انواع نعمت در بهشت می رسد آرزو می کند کاش بارها در راه حق تعالی شهید شود».^۴

شهداء از جمله کسانی هستند که به مقام شفاعت در آخرت نائل می شوند. شهادت تطهیر جسم و روح است و از این رو غسل شهید پیش از دفن جایز نیست و این نظری است که در فقه آمده است. در قرآن و روایات نیز بر پذیرش شفاعت سه طبقه در قیامت از سوی خداوند سبحان تاکید شده است: اول طبقه انبیاء و ائمه، دوم طبقه علماء و سوم طبقه شهداء که از شفاعت اینان به شفاعت اولیاء... نیز یاد شده است. این شفاعت، شفاعت هدایت است، ظهور و تجسم حقایقی است که در دنیا وقوع یافته است و این اولیاء... هستند که گروه گروه مردم را از ظلمات و گمراهی نجات داده و به شاهره روشن هدایت رسانده اند.^۵ شهید منطق ویژه ای دارد، منطق شهید را نمی توان با افراد معمولی سنجید. منطق شهید منطقی است آمیخته با منطق عشق از یک طرف و منطق اصلاح و مصلح از طرف دیگر؛ لهذا می بینیم وقتی که ابا عدا... الحسین علیه السلام می خواهد به طرف کوفه بیاید، عقلا ایشان را منع می کنند و می گویند آقا این کار منطقی نیست و راست هم می گفتند، منطقی نبود با منطق آنان، منطق آنها منطق یک انسان عادی معمولی است که بر محور مصالح و منافع خودش فکر می کند و منطق منفعت از نظر آنان منطق بالاتری دارد اما منطق شهید مافوق



۴- محمد فرید وجدی، دائرة المعارف القرن العشرين، (بیروت: دار المعرفه للطباعة و النشر، ۱۹۷۱)، ج ۳، ص ۴۲۷.

۵- مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه و تاریخ به ضمیمه شهید، (قم: انتشارات صدرا، ۱۴۰۰)، ص ۱۰۰؛ همچنین ر. ک. به: مؤسسه آل البیت «ع»، همان، ص ۴۶۵.

منطق افراد عادی است؛ منطق شهید منطق سوختن و روشن کردن، منطق حل شدن و جذب شدن در جامعه برای احیاء جامعه، منطق دمیدن روح به اندام مرده ارزشهای انسانی، منطق حماسه آفرینی و منطق دورنگری است. « شهید، کلمه دیگری جای این کلمه را هرگز نمی گیرد و نمی تواند بگیرد». خون شهید هیچ وقت هدر نمی رود، خون شهید به زمین نمی ریزد. خون شهید هر قطره اش به صدها قطره و هزاران قطره بلکه به دریایی از خون تبدیل می گردد و در پیکر اجتماع وارد می شود. شهادت تزریق خون است به پیکر اجتماع و این شهداء هستند که به پیکر اجتماع و در رگهای اجتماع، خاصه اجتماعاتی که دچار کم خونی هستند، خون تازه و حیات وارد می کنند.^۶

شهادت دو رکن دارد: یکی اینکه در راه خدا و فی سبیل ... باشد، هدف مقدس باشد و انسان بخواهد جان خود را فدای هدف نماید، دیگر اینکه آگاهانه صورت گرفته باشد. شهادت به حکم اینکه عملی آگاهانه و اختیاری است و در راه هدفی مقدس است و از هرگونه انگیزه خودگرایانه منزّه و مبرا است، تحسین انگیز و افتخار آمیز است و عملی قهرمانه تلقی می شود. تنها این نوع مرگ است که از حیات و زندگی برتر و مقدس تر و عظیم تر و فخیم تر است. آری شهادت طلبی یعنی اصلاح طلبی، فساد زدایی و ریشه کن نمودن طاغیان دوران، از این رو در ادعیه های زیادی که از ائمه معصومین بدست ما رسیده است دعا برای رسیدن به فیض شهادت، جایگاه خاصی دارد آنگونه که امام حسین علیه السلام سعادت انسان را در چنین مرگی و حضرت قاسم علیه السلام آن را شیرین تر از عسل و امام علی علیه السلام آن را محبوب ترین مرگها و طلیعه فوز و رستگاری می دانست.^۷

علی ای حال، یک دین اگر دین جامعی باشد فکر آن روز را باید کرده باشد که اگر مردمش مورد تجاوز قرار گرفتند و یا اگر فرضاً مردم دیگری مورد تجاوز قرار گرفت چه کنند؟ که در اینجا باید قانون جنگ و جهاد مقرر کنند. می گویند

۶ - مرتضی مطهری، همان، ص ۱۰۱.

۷ - پیشین، ص ۱۰۱، همچنین ر. ک. به: سعید مدنی، « بررسی تطبیقی اصطلاح فرهنگ شهادت با مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی »، در فرهنگ ایثار و شهادت (مجموعه مقالات)، (تهران: دبیرخانه شورای هماهنگی و نظارت بر امر ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، ۱۳۸۴)، صص ۶۴-۲۶۳.



صلح خوبست؟ صلح خوبست اما تسلیم و ذلت چطور؟ اگر از دو قدرت، یک طرف متجاوز از کار درآمد، تکلیف طرف دیگر چیست؟ بگوئید جنگ بد است و باید تسلیم زورگوئیهای او شد. اسم این صلح دوستی نیست بلکه زیر بار ذلت رفتن است، اینجاست که اسلام هرگز به تحمل ذلت اجازه نمی دهد ولی در عین حال طرفدار صلح و آرامش برای کل بشریت است.^۸ از دیدگاه قرآن کریم جنگ و جهاد دارای آثار و برکاتی بدین قرار است: ۱- خواری دشمن ۲- از بین بردن گمراهی و شک ۳- از بین بردن فساد و تباهی ۴- بقاء ذکر خدا ۵- رستگاری و نجات و پیروزی ۶- جدا شدن صف مجاهدان و صبرکنندگان از دیگران؛ که از جمله در آیات ۱۴ و ۱۵ سوره مبارکه توبه، آیه ۳۹ سوره مبارکه انفال، آیه ۲۵۱ سوره مبارکه بقره، آیه ۴۰ سوره مبارکه حج، آیه ۳۵ سوره مبارکه مائده و آیه ۳۱ سوره مبارکه محمد صلوات الله علیه و آله و سلم بدان اشاره شده است.^۹

در فرهنگهای مختلف، مشابه انجام این حرکت را یعنی جهاد و شهادت را به فداکاری برای وطن یا مقاومت بر ضد ظلم و تجاوز و یا مبارزه با شیطان تلقی

۸ - مرتضی مطهری، جهاد و موارد مشروعیت آن در قرآن، (تهران: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱)، صص ۲۳-۲۰.

۹ - «قاتلوهم یغذیهم... بایدیکم و یخزم و یصبرکم علیهم و یشف صدور قوم مومنین* و ینذهب غیظ قلوبهم و یتوب علی من یشاء و... علیم حکیم» (آیات ۱۴ و ۱۵ سوره مبارکه توبه) شما ای اهل ایمان با آن کافران به قتال و کارزار برخیزید تا خدا آنان را به دست شما عذاب کند و خوار گرداند و شما را بر آنان منصور و غالب نماید و دلهای گروهی اهل ایمان را به فتح و ظفر کافران شفا بخشد و تا خشم دلهای آنان فرونشاند و خدا بر هر که می خواهد به لطف و رحمت باز می گردد و خداوند دانا و درستکار است.

* آیه ۳۹ سوره مبارکه انفال : (و ای مومنان با کافران بجنگید تا دیگر فتنه و فسادى نماند و آئین همه دین خدا گردد و چنانچه دست از کفر کشیدند خداوند به اعمال شان بیناست)

* «فهموم باذن... و قتل داود جالوت و اتاه... الملک والحکمه و علمه مما یشاء و لولا دفع... الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض و لکن... ذو فضل علی العالمین» (آیه ۲۵۱ سوره مبارکه بقره) پس به یاری خدا کافران را شکست دادند و داود، امیر آنها جالوت را کشت و خدایش پادشاهی و فرزاندگی عطا فرمود و از آنچه می خواست بدو بیاموخت و اگر خدا برخی مردم را در مقابل بعضی دیگر برنمی انگیزت فساد روی زمین را فرا می گرفت».

* «... و لو لا دفع... الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بیع و صلوات و مساجد یذکر فیها اسم... کثیرا و لینصرن... من ینصره ان... لقوی عزیز» (آیه ۴۰ سوره مبارکه حج)... و اگر خداوند رخصت جنگ ندهد و دفع شر بعضی از مردم را به بعضی دیگر نکند همانا صومعه ها و دیرها و معابد و مساجدی که در آنها ذکر خدا بسیار می شود همه خراب و ویران شوند و هر که خدا را یاریند البته خدا او را یاری خواهد کرد...»

* «یا ایها الذین آمنوا اتقوا... و ابتغوا الیه الوسیله و جاهدوا فی سبیله لعلکم تفلحون» (آیه ۳۵ سوره مبارکه مائده) ای اهل ایمان، از خدا بترسید و به سوی او وسیله جوئید و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید.

* «و لنبلونکم حتی نعلم المجاهدین منکم و الصابرین و نبلو اخبارکم» (آیه ۳۱ سوره مبارکه محمد «ص») و البته ما به حکم جهاد شما را در مقام امتحان می آوریم تا مقام آن را که در راه خدا جهاد و مجاهدی و کوشش دارد و بر رنج آن صبر می کند معلوم سازیم و اخبار و اظهارات شما (متناقضان) را نیز به مقام عمل بیازماییم.

* «تلك دار الآخرة نجعلها للذين لا يريدون علوا في الأرض و لا فسارا و العاقبه للمتقين» (آیه ۸۳ سوره مبارکه قصص) ما این دار آخرت را برای آنان که در زمین اراده علو و فساد و سرکشی ندارند مخصوص می گردانیم و حسن عاقبت مخصوص پرهیزگاران است.



کرده اند اما شهادت به عنوان باری ارزشی و اخلاقی مختص ادیان الهی و در رأس آن اسلام است. در مسیحیت نیز نگاه ویژه ای نسبت به شهادت وجود دارد. آنها انجام این عمل را موجب حیات جاودانی شهید، بخشودگی گناهان و خلاصی از مجازات و حساب و کتاب آخرت عنوان می دارند.^{۱۰}

آیات بسیاری در قرآن کریم به توصیف جهاد، شهید و شهادت پرداخته است که حکایت از دیدگاه دین مبین اسلام به فلسفه جهاد و شهادت و جایگاه آن در شرع مقدس اسلام دارد که به ذکر برخی از این آیات می پردازیم:



آیه ۱۱۱ سوره مبارکه توبه:
 ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ﴾
 خداوند متعال با مجاهدانش معامله ای بزرگ انجام می دهد و آن این است که جانشان و اموالشان را می خرد و در مقابل به آنان بهشت را می دهد و این وعده را در تورات و انجیل و قرآن داده است.

آیه ۱۹ سوره مبارکه حدید:
 ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ...﴾

و آنان که به خدا و رسولانش ایمان آورند به حقیقت راستگویان عالم اند و برایشان نزد خدا، اجر شهیدانست پاداش اعمال و نور ایمانشان را در بهشت می یابند».

۱۰- شیخ محمد جواد بلاغی نجفی، الهدی الی الدین المصطفی: تحقیقی پیرامون مسیحیت و کلیسا، ترجمه سید احمد صفایی، (تهران: انتشارات آفاق، ۱۳۶۰) ص ۶۰-۵۸؛ همچنین جهت مطالعه بیشتر ر. ک. به: جان ناس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، (تهران: انتشارات فرانکلین، ۱۳۵۴)، صص ۲۴-۲۱۳.

آیه ۷۷ سوره مبارکه نساء: ﴿فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَىٰ...﴾ آیا نمی نگری از حال مردمی که گفتند: ای خدا، چرا بر ما حکم جنگ را فرض کردی و عمر ما را تا هنگام اجل و مرگ طبیعی به تاخیر نمی افکنی، بگو که زندگانی دنیا متاع اندک است و جهان آخرت سرای ابدی است که برای هر کس که خدا ترس باشد بهتر از دنیاست ...

آیات بسیاری در قرآن کریم وجود دارد که برخلاف اینکه ادعا می گردد اسلام دین جنگ و شمشیر است و نه صلح، خلاف آن را بیان و ثابت می کند و دین اسلام را دین رحمانی که آرامش و صلح را بین مسلمانان و سایر اقوام خواهان است معرفی می نماید؛

✽ برخی از این آیات که دلالت بر دعوت به صلح و مدارا دارد:

آیه ۱۰۹ سوره مبارکه بقره: ﴿وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْتَصُوا وَأَصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ بسیاری از اهل کتاب آرزو دارند که شما را از ایمان، به کفر برگردانند به سبب رشک و حسدی که در نفس خود بر ایمان شما برند بعد از آنکه حق بر آنها آشکار گردید، پس اگر ستمی از آنها به شما رسید، در گذرید و مدار کنید تا هنگامی که فرمان خدا برسد که البته خدا بر هر چیز قادر و تواناست.

آیه ۲۰۸ سوره مبارکه بقره: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾ ای اهل ایمان، همه متفقاً در مقام تسلیم خدا در آیید و از وسوسه های شیطان پیروی نکنید که همانا شما را دشمنی آشکار است.

آیه ۶۱ سوره مبارکه انفال: ﴿وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾

و اگر دشمنان به صلح و مسالمت تمایل داشتند تو نیز مایل به صلح باش و

جهاد و شهادت
در قرآن کریم و
روایات

کار خود را به خدا واگذار که خدا شنوا و داناست.

آیه ۹۰ سوره مبارکه نساء: ﴿إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاؤُوكُمْ حَصْرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يَقَاتِلُوكُمْ أَوْ يِقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتِلُوكُمْ فَإِنْ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يِقَاتِلُوكُمْ وَالْقَوَا إِلَيْكُمْ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا﴾ مگر کسانی که به قومی که بین شما با آنان عهد و پیمانی است در پیوسته باشند یا بر این عهد نزد شما آیند که از جنگ با شما و با قوم خودشان (که دشمنان شما هستند) هر دو خودداری کنند و از جنگ دلتنگ باشند، با این دو طایفه از کافران که در حقیقت به شما پناهنده اند نباید قتال کنید و اگر خدا می خواست آنها را بر شما مسلط می کرد تا با شما قتال می کردند، پس هرگاه از شما کناره گرفتند و با شما نجنگیدند و تسلیم شما شدند خدا برای شما راهی بر علیه شما نگشوده است.

اما قائم ماندن دین حق، منوط به این است که خدا به دست مومنین، دشمنان خود را دفع کند از آنجا که در آیه ۴۰ سوره مبارکه حج می فرماید: ﴿وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ...﴾ و اگر خداوند رخصت جنگ ندهد و دفع شر بعضی از مردم را به بعضی دیگر نکند همانا صومعه ها و دیرها و معابد و مساجدی که در آن ها نماز و ذکر خدا بسیار می شود همه خراب و ویران شوند و هر که خدا را یاری کند البته خدا او را یاری خواهد کرد که خداوند متعال را منتهی اقتدار و توانایی است.

البته دفاع و جهاد مردم از منافع حیاتی خویش و استقلال و آزادی و اجرای عدالت، سنتی است فطری که در ضمیر هر انسان نهاده شده است و از این رو برای انسانهای خداجوی و پاک ضمیر این امر، جنبه ای معنوی یافته و دفع شر دشمنان دین الهی، بدست اینان و با مشیت الهی صورت می گیرد تا حق را محقق و پایدار و باطل را محو و نابود سازند: ﴿لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ﴾ آیه ۸ سوره مبارکه انفال.

در قرآن کریم به آیاتی بر می خوریم که مسلمانان را به ترک قتال و تحمل



هر آزار و اذیتی در راه خدا دعوت کرده است^{۱۱} و این حکایت از دعوت به صلح و آرامش دین مبین اسلام علی‌رغم ادعای مخالفان دارد، البته این دعوت به صلح و آرامش تا زمانی بوده است که اساس دین و شریعت و جامعه مسلمین در خطر سقوط و نابودی قرار نگرفته بود که در این مرحله، حکم قتال و جهاد بر مسلمین صادر می‌شود که در آیات پیشین بدان اشاره رفت^{۱۲} و در آیه ۲۱۶ سوره مبارکه بقره به صراحت بدان پرداخته شده است: ﴿كَتَبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالَ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾

... جنگ و جهاد بر شما واجب شد هر چند از آن بدتان می‌آید، ای بسا از چیزی بدتان آید در حالیکه برای شما خیر است و ای بسا چیزی را دوست داشته باشید در حالیکه برای شما شر است و خدا (به مصالح امور) داناست و شما نادانید.

✽ آثار و پیامدهای جهاد و شهادت و بازتاب آن در جوامع اسلامی:

آنچه از فحوای قرآن کریم در نهایت در زمینه جهاد و قتال فی سبیل ... و شهادت در راه او بر می‌آید این است که در نهایت پیروزی از آن اهل حق و تعالی دین الهی است آنجا که بیان می‌دارد: آیه ۱۰۵ سوره مبارکه انبیاء ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ و ما بعد از تورات در زبور «داوود» نوشتیم که البته بندگان نیکوکار من ملک زمین را وارث

۱۱- آیات ۱ و ۶ سوره مبارکه کافرون «قل یا ایها الکافرون * لکم دینکم ولی دین»

بگو که ای کافران مشرک، پس اینک دین شرک و جهل شما برای شما باشد و دین توحید و خداپرستی من هم برای من (تا روزیکه به امر حق شما را از شرک برگردانم و به راه توحید خدا و خداپرستی هدایت کنم).

آیه ۱۰ سوره مبارکه مزمل «واصبر علی ما یقولون و اهرهم هجرا جمیلا»

و بر طعن و پناه گویی کافران و مکذبان صبور و شکیبایان و به طرز نیکو که مقتضای مدارا و حلم و بزرگواری است از آنان دوری گزین.

آیه ۱۲۵ سوره مبارکه نحل: «ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن..» ای رسول ما خلق را به حکمت و برهان و موعظه نیکو به راه خدایت دعوت کن و با بهترین طریق با اهل جدل مناظره کن که وظیفه تو بیش از این نیست...

۱۲- به نظر می‌رسد علاوه بر خطر سقوط و نابودی دین و شریعت اسلام و جامعه مسلمین، عدم توانایی و قوام یافتگی مسلمین در برابر کافران، مشرکان و منافقان در مراحل ابتدایی رشد و تعالی اسلام، علت دیگر عدم وجود تکلیف جهاد و قتال بر مسلمین بوده است چرا که وجود این امر می‌توانست اساس دین اسلام و جامعه نوظهور و شکننده مسلمین را در همان مراحل ابتدایی دعوت به دین مبین اسلام دچار تزلزل و نابودی سازد.

و متصرف خواهند شد.

آیه ۵۵ سوره مبارکه نور: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمْ﴾ خداوند به کسانی از شما بندگان که (به خدا و حجت عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ایمان آرند و نیکوکار گردند وعده فرمود که (در ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمین خلافتشان دهد چنانکه امم صالح پیامبران سلف را جانشین پیشینیان آنها نمود و دین پسندیده آنان را که (اسلام واقعی است بر همه ادیان) تمکین و تسلط عطا کند و به همه آنان پس از خوف و اندیشه از دشمنان، ایمنی کامل دهد که مرا به یگانگی، بی هیچ شائبه، شرک و ریا پرستش کنند و بعد هر که کافر شود پس آنان به حقیقت همان فاسقان تبهکاراند.

آیه ۵۴ سوره مبارکه مائده: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ﴾ ای گروهی که ایمان آورده اید، هر که از شما از دین خود مرتد شود به زودی خدا قومی را که بسیار دوست دارد و آنها نیز خدا را دوست دارند و نسبت به مومنان سرافکنده و فروتن و به کافران سرافراز و مقتدرند به (نصرت اسلام) برانگیزاند که در راه خدا جهاد کنند و در راه دین از نکوهش و ملامت احدی باک ندارند؛ این است فضل خدا که به هر که خواهد عطا کند و خدا را رحمت وسیع بی منتهاست و به احوال همه داناست.

آیه ۶۹ سوره مبارکه زمر: ﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ و زمین محشر به نور پروردگار خود روشن گردد و نامه اعمال خلق نزد حق نهاده شود و انبیاء و شهداء بر گواهی احضار شوند و میان خلق به حق حکم کنند و به هیچ کس ابداً ظلمی نخواهد شد.^{۱۳}

آشکار شدن چهره نفاق و ترس و وحشت از دشمن از سوی سست عنصران،

۱۳- شهداء در روز قیامت، گواه بر مردم خواهند بود. خداوند سبحان آنها را به خاطر فضیلت و شرافتشان به شهادت می خواند.

دنيا پرستان و آنان که گفتارشان با عملشان متفاوت است، از برکات جهاد و قتال در راه خداست؛ آیه ۷۷ سوره مبارکه نساء در وصف اینگونه افراد چنین بیان می‌دارد: ﴿الَّذِينَ تَرَى إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ﴾ آیا می‌نگری از حال مردمی که گفتند به ما اجازه جنگ ده و بدانها گفته شد اکنون از جنگ خودداری کرده و به وظیفه نماز و زکات قیام کنند، دیدی آنگاه که حکم جهاد آمد در آن هنگام، پیش از آنکه باید از خداوند بترسند از مردم ترسیدند و گفتند ای خدا چرا بر ما حکم جنگ را فرض کردی و عمر ما را تا مرگ طبیعی به تاخیر نمی‌افکنی...»^{۱۴} قرآن کریم در وصف مقام مجاهدان فی سبیل... و انتقاداتی که مخالفان راه حق در خصوص کشته شدگان در راه خدا بیان می‌داشتند به بهترین وجه به مقام والای شهدای راه حق و حقیقت می‌پردازد: آیات ۱۶۹ و ۱۷۰ سوره مبارکه آل عمران به مقام والای شهداء نزد حق تعالی اشاره می‌دارد

آنگونه که بیان می‌دارد:

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ* فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِّنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾

البته نپندارید که شهیدان راه خدا مرده اند بلکه زنده اند (به حیات ابدی و) در نزد خدا متنعم خواهند بود. آنان به فضل و رحمتی که خدا نصیبشان گردانیده شادمانند و دلشادند به حال آن مومنان که هنوز به آنها نپیوسته اند و بعداً در پی آنها به سرای آخرت خواهند شتافت که بیمی بر آنان نیست و غمی نخواهند داشت.

آیه ۱۵۴ سوره مبارکه بقره نیز بیان می‌دارد: ﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ﴾

و به آنان که در راه خدا کشته میشوند مرده نگوئید بلکه زنده ابدی هستند

۱۴- اینگونه است که شهید والامقام دکتر مصطفی چمران چنین بیان می‌دارد: «شیپور جنگ که نواخته شد، مرد از نامرد شناخته میشود».

و لیکن همه شما این حقیقت را در نخواهید یافت. پس شهیدان دارای حیات روحانی و برزخی هستند که در قرب الهی به انواع نعمتها متنعم اند و نام شهید زنده می ماند و در اثر مرور زمان ذکر جمیلش کهنه نمی شود.^{۱۵}

آیه ۱۰ سوره مبارکه صف از شهادت به عنوان یک معامله بزرگ یاد می کند آنجا که بیان می دارد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُجِيبُكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾ ای اهل ایمان، آیا شما را به تجارتی سودمند که شما را از عذاب دردناک آخرت نجات دهد، دلالت کنم؟ و آن تجارت بزرگ در آیه ۱۱ همان سوره اینگونه توصیف شده است: ﴿تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ...﴾ «که به خدا و رسول او ایمان آورید و به مال و جان در راه خدا جهاد کنید که این کار از هر تجارت اگر دانا باشید، برای شما بهتر است.

آیات دیگری از قرآن کریم به توصیف شان و جایگاه والای شهیدان و مجاهدان و مهاجران فی سبیل... می پردازد از جمله: آیه ۲۰۷ سوره مبارکه بقره: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾

... و بعضی از مردم از جان خود در راه رضای خدا در می گذرند و خدا با چنین بندگان رؤوف و مهربان است.

آیه ۱۵۷ سوره مبارکه آل عمران: ﴿وَلَئِن قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ﴾

... اگر در راه خدا کشته شده و یا بمیرد در آن جهان به آمرزش و رحمت خدا نائل شوید که همانا آمرزش و رحمت خدا بهتر از هر چیز است که در حیات دنیا برای خود فراهم آورند.

آیه ۱۱۱ سوره مبارکه توبه: ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ﴾ همانا خداوند جان و مال اهل ایمان

۱۵- اینجاست که مقام معظم رهبری بیان می دارند: «زمان همه چیز را کهنه می کند مگر خون شهید».



را به بهای بهشت خریداری کرده، آنها در راه خدا جهاد می کنند پس دشمنان دین را به قتل می رسانند و یا خود کشته می شوند این وعده قطعی است بر خدا و عهدی است که در تورات و انجیل و قرآن یاد فرموده و از خدا باوفا تر به عهد کیست؟ پس از این معامله ایی که کردید بسی شاد باشید.

آیه ۲۰ سوره مبارکه توبه: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرًا أُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ وَلُوكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾ آنان که ایمان آوردند و از وطن هجرت گزیدند و در راه خدا به مال و جانشان جهاد کردند آنها را نزد خدا مقام بلندتری است و آنان بالخصوص رستگاران و سعادتمندان دو عالم اند.^{۱۶}

آیه ۷۴ سوره مبارکه انفال: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَأُ وَتَصَرَّوْا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ و آنان که ایمان آوردند و هجرت گزیدند و در راه خدا کوشش و جانفشانی کردند و هم آنان که مهاجران را با فداکاری منزل دادند و یاری کردند آنها به حقیقت اهل ایمانند و آموزش خدا و روزی نیکوی بهشتی مخصوص آنهاست.

آیه ۹۵ سوره مبارکه نساء در برتری و شان والای مجاهدان فی سبیل الله بر طفره روندگان از جهاد چنین بیان می دارد:

﴿يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾

هرگز مومنانی که بدون عذر از جهاد بازنشستند با آنان که با مال و جان در راه خدا جهاد کنند یکسان نخواهند بود، خدا مجاهدان (فداکار) با مال و جان را به بازنشستگان از جهاد بلندی و برتری بخشیده و همه اهل ایمان را وعده پاداش نیکو فرموده و خداوند مجاهدان را بر بازنشستگان از جهاد به اجر و ثوابی بزرگ

۱۶- در این آیه و آیات مشابه جایگاه والای کسانی که به خاطر دین و ایمان راستین خویش و جهاد در راه خدا مهاجرت نموده و در راه خدا کوشش و جانفشانی کرده و سختیها و مشکلات را تحمل می نمایند هم ردیف جایگاه قائدین و مجاهدان فی سبیل الله قرار داده شده است؛ بی شک این اجر و پاداش بزرگ نصیب همسران و وابستگان از شهداء جنگ تحمیلی که به خاطر تجاوز دشمن به خاک میهن اسلامی مهاجرت کرده و سختیها و مصائب آن دوران و پس از آنرا تحمل نموده، نیز می گردد.



برتری داده است.

آیه ۲۳ سوره مبارکه احزاب در وصف مجاهدان فی سبیل الله... چنین بیان می‌دارد: ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾ برخی از آن مومنان، بزرگ مردانی هستند که به عهد و پیمانی که با خدا بستند کاملاً وفا کردند، پس برخی پیمان خویش گذاردند (و بر آن عهد ایستادگی کردند تا به راه خدا شهید شدند) و برخی به انتظار فیض شهادت مقاومت کرده و هیچ عهد خود را تغییر ندادند.

✽ ویژگی‌ها و فضائل شهید و جهاد از منظر رسول خدا (صلوات الله علیه و آله و سلم)

در حدیثی از پیامبر اکرم (صلوات الله علیه و آله و سلم)، هفت خصلت و ویژگی برای شهید راه حق در نظر گرفته شده است: اول آنکه اولین قطره‌ای که از خون شهید ریخته می‌شود، تمامی گناهانش بخشیده می‌شود، دوم آنکه سرش بردامان دو حورالعین واقع می‌شود و آنها غبار از صورتش پاک می‌کنند و به او می‌گویند مرحبا بک، سوم بر او از لباسهای بهشتی پوشانده می‌شود، چهارم نگهبانان بهشت با بوی بسیار خوش به سوی او پیشی می‌گیرند، پنجم منزل و مقام خود را در بهشت می‌بیند، ششم به روح او گفته می‌شود در هر جای بهشت که می‌خواهی به سیر درآی و هفتم «نظر می‌کند به وجه الله...» که مایه راحتی برای هر پیامبر و شهید است.^{۱۷}

حضرت امام خمینی «ره» در تفسیر خصلت هفتم حدیث نبوی فوق الذکر چنین بیان می‌دارند: «چون شهید شد و همه چیز را در راه خدا داده است خدای تبارک و تعالی جلوه می‌کند به او و او هم نظر می‌کند به جلوه خدا و این آخرین کمال است برای انسان و انبیاء. پس حجاب برداشته می‌شود یعنی خودیت انسان و اینکه ما خودمان حجاب هستیم بین خودمان و وجه الله... برداشته

۱۷- محمد بن الحسن الحر العاملی، همان منبع، ص ۱۱۰؛ همچنین ر. ک. به: محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، (بیروت: دار التعارف، ۱۴۰۱)، ج ۶، صص ۲-۱۲۱.



می شود»^{۱۸}؛ آیه ۱۴۳ سوره مبارکه اعراف در توصیف این تجلی الهی چنین بیان می دارد:

... آنجا که قوم حضرت موسی «علیه السلام» از وی تقاضای دیدن خداوند تبارک و تعالی را کردند؛ به این منظور همراه ۷۰ نفر از بزرگان قومش به وعده گاه که کوه طور بود رفتند و حضرت موسی علیه السلام به تقاضای بنی اسرائیل گفت خدایا خود را به این قوم آشکار بنما که جمال تو را مشاهده کنند، خداوند سبحان در پاسخ به او فرمود کسی را نخواهی دید و لیکن به کوه طور بنگر، اگر کوه طور بدان صلابت، هنگام تجلی من به جای خود برقرار ماند تو نیز مرا خواهی دید، پس آنگاه که تجلی خدایش بر کوه تابش کرد، کوه متلاشی شد و حضرت موسی بی هوش بر زمین افتاد، سپس که به هوش آمد عرض کرد خدایا تو منزه و برتری از رویت و حس جسمانی، به درگاه تو از چنین اندیشه ایی توبه می کنم و من از قوم خود اول کسی هستم که به تو و منزه ذات پاک تو از هر آرایش جسمانی ایمان آوردم.^{۱۹}

آیه ۳۵ سوره مبارکه نور در توصیف ذات اقدس الهی چنین بیان می دارد:

﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾

... خدا نور وجود بخش آسمانها و زمین است، داستان نورش به مشکاتی ماند که در آن روشن چراغی باشد و آن چراغی در میان شیشه ایی که از تلالو آن گویی ستاره ایی است درخشان و روشن از درخت مبارک زیتون که با آنکه شرقی و غربی نیست (شرق و غرب جهان بدان فروزان است) و بی آنکه آتشی زیت آن را برافروزد خود به خود جهانی را روشنی بخشد، پرتو آن نور حقیقت بر روی نور معرفت قرار گرفته است و خدا هر که را خواهد به نور خود هدایت

۱۸- جهت مطالعه بیشتر ر. ک. به: علی اکبر علیخانی و مرتضی بحرانی، شهید و شهادت در ادعیه و زیارات، (تهران: نشر شاهد، ۱۳۸۰)، صص ۹۲-۹۱.

۱۹- «و لما جاء موسی لمیقاتنا و کلمه ربه قال رب ارنی انظر الیک قال لن ترانی و لکن انظر الی الجبل فان استقر مکانه فسوف ترانی فلما تجلی ربه للجبل جعله دکا و خر موسی صعقا فلما افاق قال سبحانک تبت الیک و انا اول المومنین».

کند و این مثل ها را خدا برای مردم هوشمند می زند که به راه معرفتش هدایت یابند و خدا به همه امور داناست.

در حدیثی دیگر از پیامبر گرامی اسلام صلوات الله علیه و آله و سلم در وصف مقام والای شهید و جهاد فی سبیل ا... آمده است: « هیچ قطره ای محبوبتر در نزد خداوند سبحان، از قطره خونی که در راه او ریخته می شود، نیست»؛ از حضرت ایشان سوال شد کدام اعمال افضل است فرمودند: ایمان به خدا و پس از آن جهاد در راه خدا.^{۲۰} در حدیثی از امام المتقین، علی علیه السلام آمده است: « همانا خداوند جهاد را واجب کرد و آن را بزرگ داشت و دین و دنیا اصلاح نمی گردد مگر به واسطه آن». در حدیثی دیگر از حضرت ایشان آمده است: « همانا جهاد فی سبیل ا... دری از درهای بهشت است که خداوند سبحان آن را به روی اولیاء خاص خود گشوده است».^{۲۱}

امام علی علیه السلام در باب فضیلت جهاد و نتیجه جهاد فی سبیل ا... به شیوایی بیان می دارد: «کسی که جهاد را از روی بی اعتنائی نادیده بگیرد، خدا به او لباس ذلت می پوشاند، بلا را متوجه او می گرداند، ذلیل ضعیفان و کوچکها می گردد، به نکبت گرفتار آید و از عدالت محروم شود».

اما امنیت ستمدیدگان و مستضعفان در برابر ظالمان و مستکبران، استقرار نظام خدایی و حکومت صالحان و برقراری سیستم قوانین سعادت بخش الهی از نتایج جهاد در راه خداست.^{۲۲}

امام المتقین، علی علیه السلام، آرزوی شهادت را آنچنان والا و جذبه قوی حیات می داند که قبول مسئولیتهای ناشی از زندگی کردن با مردم را معلول این امید و آرزو می داند و بدون چنین امیدی، زندگی کردن و رو در روئی و مواجهه با مردم را کاری پوچ و بی ارزش می شمارد و اینچنین بود که در بستر شهادت

۲۰- محمد بن الحسن الحر العاملی، همان منبع، ص ۷؛ همچنین ر. ک. به: مسلم بن الحجاج، الجامع صحیح مسلم، کتاب الایمان، (الناشر دار الاحیاء التراث العربی، ۱۹۷۲م)، رقم الحدیث ۱۱۸.

۲۱- علی بن ابی طالب، نهج البلاغه: خطبهها، نامهها و کلمات قصار، ترجمه کاظم عابدینی مطلق، (تهران: نشر آفرین، ۱۳۷۹)، ص ۵۳.

۲۲- عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، با مقدمه و تصحیح میر جلال الدین حسینی ارموی، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۰)، ج ۱، ص ۲۰۱؛ همچنین جهت مطالعه بیشتر ر. ک. به: محمد امین پور امینی: از جهاد تا شهادت در قرآن و روایات، (قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۵)، صص ۲۶-۴.



می فرمایند: « فزت و رب الكعبه » و اینگونه بیان می دارد که سوگند به خداوند سبحان که هیچ حادثه ناگواری بر من رخ نداده است. من اکنون در همان حالی هستم که می خواستم و در آرزوی یافتن آن بودم و آن شهادت است که یافتیم و اینگونه بود که امام بزرگوار و مظلوم تاریخ در زمینه دستیابی به آرزوی شهادت، رهبری مردمی طعان، حيله گر و عیب جو را می پذیرد و در کنار آنها با تمام زجر روحی و اندوه دل و قلبی آکنده از رنج فقط « در آرزوی شهادت » زندگی می کند. بیان قسمتی از خطبه ۲۷ نهج البلاغه که بیانگر مظلومیت و تنهایی آن امام همام و مصباح الهدی و الگوی همیشه جاوید سعادت بشری است، خالی از لطف نیست.

آنچنان که هنوز کلام برحق و فریاد مظلومانه آن بزرگوار و جدانهای خموش و خفته انسانها را در طول تاریخ تا ابد مورد عتاب و شماتت خویش قرار می دهد آنجا که در اوج مظلومیت با فریاد رسا بیان می دارد:^{۲۳}

« بسیار جای تعجب است، به خداوند سبحان سوگند، اتحاد اینان (طرفداران معاویه و خوارج) در راه باطل و اختلاف و متفرق بودن شما در راه حق قلب را ریشه کن می کند و غم را افزایش می دهد. روی شما زشت باد، زیان و ضرر متوجهتان گردد که هدف دشمن شده اید؛ به شما حمله می کنند تکان نمی خورید، با شما جنگ می کنند، از خود دفاع نمی کنید، پیروان معاویه گناه می کنند و شما به گناه آنان راضی هستید. به هنگام تابستان می گویم به جنگ آنها بروید، می گوئید هوا گرم است مهلت بده هوا خنک شود، وقتی در هوای خشک به خاطر سرما و گرما فرار می کنید به خداوند متعال سوگند که بطور حتم از شمشیر دشمنان بیشتر فرار می کنید...»^{۲۴}

❁ نتیجه:

آنچه در این موجز بیان شد بیانگر جایگاه و اهمیت ولای جهاد و شهادت

۲۳- سیدعلینقی فیض الاسلام، ترجمه و شرح نهج البلاغه، (بی جا: انتشارات فیض الاسلام، تابستان ۱۳۷۱)، صص ۷-۹۶.

۲۴ میزان مشارکت واقعی شرکت کنندگان در جنگ تحمیلی علیه ایران خود گویای جدایی صف مجاهدان واقعی فی سبیل... و طفره روندگان از جنگ و جهاد و بازتابی از این سخنان و فریاد رسای امام علی «ع» در ازمنه تاریخ است آنچنانکه وفق یک امار غیر رسمی میزان مشارکت مستقیم در جنگ تحمیلی علیه ایران اسلامی را حدود یک میلیون نفر از جمعیت بیش از ۴۰ میلیون نفری دوران دفاع مقدس بیان داشته اند.

فی سبیل ا... بود به طوری که می توان بیان داشت بعد از اصول دین و به ویژه توحید و وحدانیت حق تعالی، از «جهاد و شهادت در راه خدا» در بالاترین جایگاه در قرآن و روایات بارها ذکر شده است که خود نشانگر قوام و پایداری دین و عزت و سربلندی مسلمین و دوری از سلطه و سلطه پذیری و دستیابی به قله های رفیع سعادت و خوشبختی و در نهایت الگوی تمام عیار برای جوامع، فرهنگها، اقوام و ملل دیگر خواهد بود. در اهمیت و شان و جایگاه والای شهادت در راه خدا همین بس که شهادت آخرین و بالاترین کمال هر انسان خداجو، اولیاء ا... و خصوصاً پیامبر گرامی اسلام صلوات الله علیه و آله و سلم، ائمه هدی «علیهم السلام» و در رأس آنان سید و سالار شهیدان آقا ابا عبدالله الحسین علیه السلام بوده است؛^{۲۵} این راه و رسم شهادت باقی خواهد ماند و کور شدنی نیست تا زمانی که انسانهای پاک فطرت و خداجو و وجدانهای بیدار و روشن ضمیر، تن به ذلت و خواری ندهند و درد دین و ناموس و وطن و دفاع از مظلومان و خصم ظالمان در آنها شعله ور باشد و آماده معامله و تجارتی بس بزرگ با خداوند متعال گردند و به عهد و پیمان خویش با او وفادار باشند چنانکه عینیت آن را در دفاع مقدس و در وجود مجاهدان و شهدای مظلوم و گرانقدرمان چون چمران ها، صیادها، کاظمی ها، همت ها، باکری ها، خرازی ها و ...؛ شاهد بودیم و عطر خوش آزادی، استقلال، عزت و سربلندی امروز ایران اسلامی را به یمن برکت این مجاهدان فی سبیل ا... و افلاکیان خاک نشین بدست آورده و طی مسیر پله های ترقی و پیشرفت مادی و معنوی را به نظاره نشسته ایم.

امید آنکه قدر این نعمت بدانیم و آن را پاس بداریم:^{۲۶}

«اللهم الرزقنا شفاعه الحسين والشهاده فی سبیلک»

❁ فهرست مآخذ :

- ۲۵ - جهت مطالعه بیشتر ر. ک. به: علی اکبر علیخانی و مرتضی بحرانی، همان، صص ۱۶۴-۱۴۵.
- ۲۶ مرور زندگینامه ها، وصیتنامه ها و خاطرات مجاهدان و شهدای عزیز و گرانقدر دفاع مقدس آنچنان وجدانهای بیدار و روشن ضمیر را تحت تاثیر قرار میدهد که خود انسان ساز و تضمینی بر بقای راه و آرمانهای مقدس و والای آن سبک بالان عاشق و پاک طینت دارد آنچنانکه امام شهداء، خمینی کبیر «ره»، چنین بیان می دارد:

«این وصیت نامه هایی که این عزیزان می نویسند مطالعه کنید، پنجاه سال عبادت کرده اید».



- جان ناس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، (تهران: انتشارات فرانکلین، ۱۳۵۴).
- سعید مدنی، «بررسی تطبیقی اصطلاح فرهنگ شهادت با مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی»، در فرهنگ اینار و شهادت (مجموعه مقالات)، (تهران: دبیرخانه شورای هماهنگی و نظارت بر امر ترویج فرهنگ اینار و شهادت، ۱۳۸۴).
- سیدعلینقی فیض الاسلام، ترجمه و شرح نهج البلاغه، (بی جا: انتشارات فیض الاسلام، تابستان ۱۳۷۱).
- شیخ محمد جواد بلاغی نجفی، الهدی الی الدین المصطفی: تحقیقی پیرامون مسیحیت و کلیسا، ترجمه سید احمد صفایی، (تهران: انتشارات آفاق، ۱۳۶۰).
- عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، با مقدمه و تصحیح میر جلال الدین حسینی ارموی، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۰)، ج ۱.
- علی اکبر علیخانی و مرتضی بحرانی، شهید و شهادت در ادعیه و زیارات، (تهران: نشر شاهد، ۱۳۸۰).
- علی اکبر رضوانی، فلسفه شهادت (تهران: انتشارات هجرت، ۱۳۶۲).
- علی بن ابی طالب، نهج البلاغه: خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار، ترجمه کاظم عابدینی مطلق، (تهران: نشر آفرینه، ۱۳۷۹).
- فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷).
- محمد امین پور امینی: از جهاد تا شهادت در قرآن و روایات، (قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۵).
- محمد بن الحسن الحر العاملی، وسائل الشیعه، (قم: موسسه آل البیت «ع»، ۱۴۰۹)، ج ۱۱.
- محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، (بیروت: دار التعارف، ۱۴۰۱)، ج ۶.
- محمد فرید وجدی، دائره المعارف القرن العشرين، (بیروت: دار المعرفه للطباعه و النشر، ۱۹۷۱)، ج ۳.
- مرتضی مطهری، جهاد و موارد مشروعیت آن در قرآن، (تهران: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱).
- مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه و تاریخ به ضمیمه شهید، (قم: انتشارات صدرا، ۱۴۰۰).
- مسلم بن الحجاج، الجامع صحیح مسلم، کتاب الایمان، (الناشر دار الاحیاء التراث العربی، ۱۹۷۲ م).
- موسسه آل البیت «ع» شهید و شهادت در قرآن و حدیث، ترجمه جواد عباسی، (تهران: نشر شاهد، ۱۳۸۴).

